

## نگاره‌های شجاعت‌نامه به مثابه تاریخ مصوّر جنگ‌های ایران و عثمانی در قفقاز (۹۸۶-۹۹۳ق)

\*  
نصرالله صالحی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۲ (صفحه ۳۱-۶۸)

**چکیده:** شجاعت‌نامه، اثر منظوم محمد چلبی، ملقب به «دال» و مشهور به «آصفی»؛ دولتمرد، نظامی، کاتب و شاعر سده دهم عثمانی است. با تهاجم سپاه عثمانی به قلمرو ایران در قفقاز (۹۸۶/۱۵۷۸) دال محمد به عنوان کاتب سفر نظامی به خدمت سرعسکر سپاه عثمانی، لالامصطفی پاشا، درآمد. شجاعت‌نامه شرح جنگ‌های عثمانیان به فرماندهی عثمان پاشا در چلدر، تفلیس و تبریز در فاصله سال‌های ۹۸۶ تا ۹۹۳ است. دال محمد چلبی در هنگام نبردهای صفویان و عثمانیان، از سوی قزلباشان اسیر شد و به اردبیل، قزوین و اصفهان برده شد. وی بعد از تحمل حدود سه سال اسارت، که شش ماه آن در اصفهان سپری شد، از این شهر گریخت و خود را به سواحل خلیج فارس رساند و از آنجا راهی بصره شد، سپس خود را از بصره به اردوگاه سپاه عثمان پاشا رساند و در یورش سپاه عثمانی به تبریز در ۹۹۳/۱۵۸۵، به عنوان کاتب

سفر نظامی، سپاه عثمانی را همراهی کرد. دال محمد بعد از بازگشت به استانبول، به تدوین وقایع‌نامه‌ای منظوم در شرح نبردهای صفویان و عثمانیان در قفقاز به نام *شجاعت‌نامه* اقدام کرد. وی کوشید تا به سبک و سیاق *شاهنامه* فردوسی، اثری حماسی به ترکی به نظم درآورد. کتاب از نظر تاریخ جنگ‌های صفویان و عثمانیان در قفقاز و نیز برخورد عثمانیان با خوانین کریمه حائز اهمیت زیادی است؛ به‌ویژه از آن نظر که کتاب حاوی ۷۷ نگاره رنگی زیبا و متنوع است. هر نگاره حاوی آگاهی‌های بصری از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی است. بیشتر نگاره‌های کتاب، به مثابه تاریخ مصور جنگ‌های ایران و عثمانی در قفقاز است. پاره‌ای دیگر از نگاره‌ها، روایتی تصویری از تاریخ صفویان است. در این اثر، چهره دولت‌مردان صفوی نظیر شاه‌محمد خدابنده، حمزه میرزا، امام‌قلی خان و ده‌ها شخصیت دیگر به زیبایی به تصویر کشیده شده است. همچنین نگاره‌های متعدد مربوط به صحنه‌های نبرد دو سپاه، موقعیت‌های جغرافیایی، نوع سلاح‌های نظامی و موضوعات متنوع دیگر بر ارزش و اهمیت *شجاعت‌نامه* می‌افزاید. در مقاله حاضر، گزیده‌ای از نگاره‌های *شجاعت‌نامه* معرفی و جنبه‌هایی از ارزش و اهمیت آنها شرح و توصیف شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دال محمد چلبی (آصفی پاشا)، *شجاعت‌نامه*، صفویان، عثمانیان، قفقاز، جنگ، مینیاتور (نگاره).

## ۱ مقدمه

محمد چلبی، ملقب به «دال» و مشهور به «آصفی»؛ دولتمرد، نظامی، کاتب و شاعر سده دهم عثمانی بود. تخلص شعری محمد چلبی، «آصفی» بود و لقب «پاشا» نشان‌دهنده مناصب نظامی و دیوانی او و لقب «چلبی» حاکی از انتساب وی به فرقه مولویه است (ERAVCI 2008; idem 2009: Giriş: LXXIV). محمد چلبی، لقب «دال» را برای متمایز کردن خود از دیگر کاتبان دیوان که نام محمد داشتند، برگزید (ERAVCI 2009: Giriş: LVII-LVIII). از پیشینه خانواده او آگاهی زیادی در دست نیست، اما لقب «واقچوزاده» او دلالت بر این دارد که او از یک خانواده نظامی برخاسته است (ÖZCAN 2007, Giriş: LVIII). به نوشته مصطفی عالی افندی، وی در سیروز متولد شد، اما در استانبول و نزد سرعسکر عثمانی،

لالمصطفی‌پاشا، تربیت یافت و از همان آغاز دوران جوانی، با ورود به کار دولتی، در زمره کاتبان دیوان درآمد و سال‌ها عهده‌دار منصب کتابت بود (ÖZCAN 2007: Giriş, LVI-LVII; Fleischer 1996: 83). وی به دلیل ابراز لیاقت، به مقام‌هایی نظیر تذکره‌چی، رئیس‌الکتابی و بیگلربیگی نیز رسید (Babinger 1992: 130).

## ۲ حضور دال محمد چلبی در جنگ‌های ایران و عثمانی

با شروع جنگ‌های ایران و عثمانی که با لشکرکشی عثمانیان به سوی مرزهای ایران در قفقاز آغاز شد (۱۵۷۷/۹۸۵)، دال محمد چلبی به عنوان کاتب سفر نظامی به خدمت سرعسکر سپاه عثمانی، لالمصطفی‌پاشا، درآمد (Eravci 2009: Giriş: LVII-LVIII). وی بعد از فتح قفقاز، از سوی دولت عثمانی، به عنوان تذکره‌چی عثمان‌پاشا که به سرداری شروان انتخاب شده بود، منصوب (Asafi 2007: 59) و عهده‌دار امر تحریرات ایالت تازه‌تأسیس شروان شد (۱۵۷۸/۹۸۶). دال محمد تا زمانی که فشار نظامی صفویان باعث شد قوای عثمانی به طرف دمورقیو (در بند) عقب‌نشینی کنند (۱۵۷۹/۹۸۷)، عهده‌دار مسئولیت‌های مهمی بود. آن پس، نه به عنوان یک دولتمرد، که به عنوان یک سپاهی، به مدت سه سال در جنگ‌های عثمانی، به فرماندهی عثمان‌پاشا، حضور فعال داشت. از جمله در هنگام فتح دمیرقاپو (در بند) به دست عثمان‌پاشا، دال محمد عهده‌دار مقام پس‌قراولی سپاه عثمانی بود (Asafi 2007: 162; ÖZCAN 2007: Giriş, LVIII). همچنین در بازپس‌گیری شروان، محاصره شماخی و یورش به گنجه همراه با قوای تاتار کریمه (۱۵۸۰/۹۸۷) مشارکت داشت. باز در زمستان سال ۹۸۹-۹۹۰، از سوی عثمان‌پاشا مأموریت یافت تا به اتفاق شماری از قوای نظامی، قلعه قبالا (قَبَلَه) را تصرف و موقعیت آنجا را مستحکم کند<sup>۱</sup>. اما درست بعد از هجوم قوای قزلباش که به تسخیر این قلعه منجر شد، وی به اسارت آنها درآمد (پورگشتال ۱۳۶۷: ۱/۲؛ ۱۴۱۳؛ ÖZCAN 2007: Giriş, LXI). شکست سپاه عثمانی و اسارت دال محمد چلبی موجب خشم دولت عثمانی شد؛ ولذا ایلچی صفویان، ابراهیم خان، که

۱. در یکی از مینیاتورهای زیبای شجاعت‌نامه چگونگی تصرف قلعه نشان داده شده است (Asafi 2007: 292).

به نیت برقراری صلح عازم استانبول شده بود، در این شهر محبوس و مورد آزار و اذیت قرار گرفت (پورگشتال ۱۳۶۷: ۲ / ۱۵۰۸).

دال محمد بعد از اسارت، نزد حاکم گنجه، امام قلی‌خان، برده شد. وی ضمن آنکه رفتاری خوب و مناسب با او کرد، دستور داد تا سلحدار اسیرشده را به عنوان خدمتکار او بگمارند (Asafi 2007: 296-297). خوش رفتاری با دال محمد چندان به درازا نکشید، زیرا پس از فرستادن وی به قزوین، او را برای تنبیه در کوچه بازار شهر گرداندند (ibid: 300-301) و سپس با غل و زنجیر به نزد شاه محمدخدابنده بردند. در یکی از نگاره‌های زیبای شجاعت‌نامه، صحنه ملاقات دال محمد با پادشاه صفوی به زیبایی به تصویر کشیده شده (ibid: 303) و شاعر در ضمن ابیات متعدد، شرح گفتگوی خود با شاه محمدخدابنده را به نظم آورده است (ibid: 298-304).

ماجرای زندگی دال محمد در دوران اسارت سه ساله در ایران، یکی از بخش‌های زیبا و خواندنی شجاعت‌نامه است. وی شرح این دوران را به تفصیل به نظم کشیده است؛ از جمله می‌گوید: بعد از پایان گفتگو با شاه صفی به دست جلّاد سپرده شد و بر او بیداد رفت. در یکی دیگر از مینیاتورهای شجاعت‌نامه صحنه‌ای از شکنجه آصفی به دست جلّاد دیده می‌شود (ibid: 307). به هر رو، از قتل دال محمد صرف‌نظر و در قلعه الموت زندانی شد. وی می‌گوید: در قلعه الموت در درون سیاه‌چالی حبس و با فرد مجنون به نام ذوالفقار ابدال همنشین شد. دال محمد در یکی از نگاره‌های زیبای شجاعت‌نامه، چگونگی حبس در سیاه‌چال را به خوبی به تصویر کشیده است (ibid: 310). هم‌زمان با دال محمد، یکی از خان‌های معروف کریمه، به نام غازی‌گرای نیز در الموت محبوس بود. وی از حمزه میرزا، فرزند و ولیعهد شاه محمدخدابنده، درخواست کرد تا دال محمد را آزاد کنند. حمزه میرزا چون تصمیم داشت از وجود غازی‌گرای در داغستان برضد عثمانیان استفاده کند، درخواست او را پذیرفت و موجبات آزادی دال محمد را فراهم کرد (DANIŞMEND 1972: 81). در چند نگاره زیبای شجاعت‌نامه، مجلس ضیافت حمزه میرزا و غازی‌گرای و دال محمد به تصویر کشیده شده است (Asafi 2007: 483, 489, 492).

دال محمد بعد از آزادی، برای طی دوران اسارت به اصفهان فرستاده شد. او در ابیات متعدد، به ماجرای حدود شش ماه حبس خود در اصفهان اشاره کرده، می‌گوید که در مدت اسارت، دائماً به فکر فرار از اصفهان بوده تا اینکه سرانجام با یکی از توپچیان اسیر شده در شروان که در اصفهان به نوکری وادار شده بود، آشنا شده و با یکدیگر به «کشف احوال» پرداخته و با یافتن دو یار دیگر، از این شهر گریخته راهی شیراز می‌شوند. اینکه آنها چگونه راه شیراز را یافتند، خود داستان جالبی است که در ادامه همین نوشته به آن اشاره شده است. چهار یار مذکور در شیراز سختی‌های زیادی تحمل کردند تا جایی که برای به دست آوردن غذا، خود را به صورت گدایان نابینا جا زده و به تکدی‌گری در شهر پرداختند.<sup>۱</sup> دال محمد و همراهانش بعد از مدتی راهی کازرون شدند و از آنجا خود را به سواحل خلیج فارس رساندند و سرانجام قایقی یافتند و در «بحر هرمز» بحرپیمایی کرده به بصره گریختند. در یکی از مینیاتورهای کتاب، قایق و سرنشینان آن، در حالی که در «بحر هرمز» سیر می‌کنند، به زیبایی به تصویر کشیده شده است.<sup>۲</sup>

دوران اسارت دال محمد در ایران، از ۹۹۰ تا ۹۹۳، به مدت سه سال، طول کشید. در بصره حاکم این شهر، اسکندر پاشا زاده احمد پاشا، از او استقبال کرد و سپس راهی بغداد و دیاربکر شد (ibid: 2007: 517-18). دال محمد در همین شهر با خبر شد حامی پیشینش، عثمان پاشا، در حال لشکرکشی به تبریز است (۱۵۸۵/۹۹۳)، به این لحاظ خود را به قرارگاه سردار عثمانی در ارضروم رساند و به او پیوست و در کنار ابراهیم رحیمی‌زاده چاوش که سمت کاتبی سفر نظامی را برعهده داشت (ابوبکر بن عبدالله ۱۳۸۷: ۴۱)، به عنوان تذکره‌چی عثمان پاشا منصوب شد (Kütükoğlu 1993: 66). وی بعد از فتح تبریز، با پشتیبانی عثمان پاشا، به عنوان بیگلربیگ کفه (تئودوسیا) در کریمه و سه سال بعد به عنوان بیگلربیگ شمخال (شروان) انتخاب شد (Fleischer 1996: 83). به نوشته آراوجی، وی مدتی نیز بیگلربیگ حلب

۱. در یکی از مینیاتورهای جالب و دیدنی شجاعت‌نامه صحنه گدایی آصفی و گدایان دیگر شهر به تصویر کشیده شده است (← Asafi 2007: 510).

۲. تعبیر «بحر هرمز» برای خلیج فارس در مینیاتور صفحه ۵۱۵ چاپ عکسی شجاعت‌نامه آمده است.

بود (Eravci 2009: Giriş: XLIV). دال محمد تا پایان زندگی عهده‌دار مناصب دیگری نیز شد، از جمله در سال ۱۵۹۳/۱۰۰۱ باش تذکره‌چی (Selaniki 1999: 1\307) و چندی بعد، با درگذشت حسین چلبی که رئیس دیوان بود، به جای او به عنوان رئیس‌الکتاب منصوب شد (ibid: 1\324) و سرانجام در سال ۱۰۰۶ق/۱۵۹۸م درگذشت (محمد ثریا ۱۳۰۸-۱۳۱۵: ۴/۱۳۳؛ Özcan 2007: Giriş: LXXIV).

بنا به نوشته منابع، دال محمد به جز ترکی، به دو زبان فارسی و عربی کاملاً مسلط بود. تسلط او به زبان فارسی تا جایی بود که مثنوی معنوی را به طور کامل به نظم ترکی درآورد (پورگشتال ۱۳۶۷: ۲/۱۴۱۳؛ Özcan 2007: Giriş: LXXIV). مهم‌ترین اثر باقی‌مانده از او، شجاعت‌نامه است. وی در این اثر تاریخی منظوم، به بیان مناقب عثمان پاشا که کمی بعد از تسخیر تبریز درگذشت (۱۵۸۵/۹۹۳)، پرداخته (بروسه‌لی ۱۳۴۲: ۳/۱۸۳) و زندگی و احوالات عثمان پاشا در فاصله سال‌های ۹۸۶-۹۹۳ از جمله جنگ‌های او در شروان و داغستان و نیز نبردهای او با خان کریمه، محمدگرای خان (وفات: ۱۵۸۴/۹۹۲)، و نیز سفر جنگی او به تبریز را به تفصیل و با جزئیات آورده است. نویسنده تلاش کرده تا به سبک و سیاق شاهنامه فردوسی، اثری حماسی به ترکی، به نظم درآورد. مقدمه اثر به نثر و مابقی به نظم است و در هر جزء به موضوع مستقلی پرداخته است. در خاتمه اثر، تاریخ ۹۹۴ و در دیباچه، تاریخ ۹۹۵ قید شده است.

کتاب به لحاظ تاریخ روابط صفویان و عثمانیان و نیز برخوردهای نظامی دو دولت و تحولات نظامی قفقاز و قریم (کریمه) حائز اهمیت زیادی است، به‌ویژه از آن نظر که نویسنده خود شخصاً شاهد و ناظر حوادث و رویدادها بوده است. به اعتقاد آراوجی، شجاعت‌نامه جدای از مسائل نظامی، از جهات دیگر نیز دارای اهمیت است؛ از جمله، آگاهی از وضعیت شهرها و روستاهای قفقاز و آذربایجان که محل درگیری طرفین بود (Eravci 2007: Giriş: XXIX). علاوه بر آن، نویسنده در این اثر از بیش از چهل شخصیت یاد کرده و از آنها سخن گفته است؛ از این‌رو، کتاب به تذکره نیز شباهت دارد. با این همه، اثر مزبور بیشتر به شیوه مناقب‌نامه‌ها، حول اقدامات قهرمانانه یک شخصیت به نظم

درآمده و قهرمان اصلی در آن، شخص عثمان پاشاست که دال محمد تلاش کرده به تقلید از شاهنامه فردوسی به سبک مثنوی به ثبت دلاوری‌ها و قهرمانی‌های او بپردازد. البته در این زمینه از اسکندرنامه احمدی که آن نیز متأثر از شاهنامه فردوسی است، الهام گرفته است. او در این اثر بخش مهمی از زندگی عثمان پاشا، یعنی تا سال ۱۵۷۸/۹۸۶ که در تذکره‌های عمومی نیامده را به تفصیل بیان کرده است.

همچنین شجاعت‌نامه به دلیل اشتغال بر آگاهی‌های تفصیلی و جزئی، خلاءهای موجود در تاریخ‌های عمومی را تا حد زیادی پر می‌کند و تصویر هرچه دقیق‌تری از موقوع رویدادهای سال‌های مذکور در اختیار می‌گذارد. نویسنده در این اثر، وقایع و رویدادهایی که خود از نزدیک شاهد و ناظر آنها بوده را به نظم کشیده است که این از دیگر مزایای شجاعت‌نامه است. جدای از آن، شجاعت‌نامه از لحاظ تاریخ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز برای ایران دوره صفوی حائز اهمیت است که به چند مورد اشاره می‌شود. دال محمد می‌نویسد: بعد از اسارت، مرا به گنجه بردند و بعد روانه اردبیل ساختند و سپس به قزوین بردند. او به بهانه ورودش به اربیل و توقف یک روزه در آن شهر، گریزی به زندگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی زده و با نهایت احترام از او یاد کرده است و می‌نویسد:

شیخ صفی در اردبیل مدفون است/ مدفن او همچون درّی در صندوق مخزون است؛ هرکسی چه فقیر، چه امیر، به تربت او پناه برد/ در آن حرم که همچون حرم مکه محترم است، از تعقیب و آزار مصون است؛ به پناهنده حرم طعام می‌دهند او از انتقام مصونش می‌دارند؛ پناهنده حرم اگر صد سال هم در آنجا بماند/ کسی به او تعرض نمی‌کند و این رسمی است قدیم.

دال محمد در بیت بعدی با گفتن اینکه آن رسم قدیم دیگر از بین رفته تلویحاً به این اشاره دارد که انتظار داشته بعد از ورود به اردبیل به حرمت مدفن شیخ صفی آزادش کنند، اما چنین نکردند و همچنان به اسیری بردند. اصل ابیات مذکور چنین است:

... اولدی منزل چونکه بر گون اردبیل      بر یره قوندوردیلر خوار و ذلیل  
 اول شهرده شیخ صفی مدفوندور      دُر گبی صندوقه‌ده مخزوندور  
 تربه‌سینه قچسه گیرسه بر اسیر      گر فقیر اولسون گرکسه اول امیر

هرگز ایتمز لر ایدی صید حرم  
 اول حرم مکه گبی در محترم  
 انتقام ایتمز لر ایدی سرکشه  
 هم ویرور لردی طعام من هرکشه  
 رد اول نماز بویله در عادت قدیم  
 اول حرمده کاولار یوز بیل مقیم  
 ضربی آلورمش واروپ اهل حرم  
 گلسه شهره بر اسیر اولده هم  
 هر یروک گتمکده درهم راحتی  
 شمدی گتمش قالمه مش اول عادت  
 ذکر اولندن واریدی انده اثر  
 ویرمش ایدی شهره هم بر قریه فر  
 کمسه گچمزدی اسیر ایله اولان  
 واقع اولمشدی یول اوزره اول مکان  
 ویرمینلردن آلور جنک ایلیوب  
 اول ایلکله دیلردی یالواروپ  
 ضربیله آلوب ایدر لردی خلاص  
 قاتله لازم ایکن فرضاً قصاص  
 اول گروهک آغزینه آتمادیلر  
 آصفی بی آنده اوغر اتمادیلر

(Asafi 2007: 299-300)

چنان که گفته شد دال محمد را بعد از اردبیل به قزوین بردند و با غل و زنجیر نزد شاه محمد خدابنده حاضر کردند. شاه با عتاب از او سؤال‌هایی پرسید. به روایت دال محمد، شاه خطاب به او گفت: «آیا شرم نمی‌کنید؟ چگونه جرأت می‌کنید؟ سبب آمدنتان چیست؟ من اولاد علی‌ام، آیا در دین شما، علی مرتضی فاسق است؟ بازگو! چرا به سوی ما هجوم آوردید؟ آیا ما در مذهب شما کافریم؟...»

اصل ابیات مذکور چنین است:

دیدنی آکه شاه یوقدور شرمکز  
 نیجه جرأتدر نه در بو گرمکز  
 بن علی اولادیم لایقمیدر  
 دینک زده مرتضاً فاسقمیدر  
 اوستمه نیچون گلورسز سیوله کوز  
 مذهبکده یوخسه بز کافر میوز؟  
 ضبطکرده انجه واردر اولککه کوز  
 باصدی لار و هندی سندی کولککه کوز  
 بندن آلوب ملکی قنده گدهسز  
 یا جهنمدن اوڈ آلوب نیدهسز

(ibid: 302)

دال محمد به پرسش‌های شاه پاسخ می‌گوید و بعد روانه سیاه‌چال می‌شود. مدتی بعد، با وساطت غازی‌گرای آزاد شده و به اصفهان فرستاده می‌شود تا در آنجا تحت‌نظر باشد. دال محمد، چنان که پیش‌تر گفته شد، بعد از پنج شش ماه اقامت در اصفهان، به اتفاق سه نفر از این شهر می‌گریزد. او طی ابیاتی مبالغه‌آمیز به وصف چگونگی عبورشان از کوه «تخت رستم»



اصفهان اشاره کرده<sup>۱</sup> و می‌گوید: بعد از تحمل مصیبت‌ها، از «تخت رستم» پایین آمده و به سه راهی می‌رسند که یکی به کردستان، یکی به روم و دیگری به شیراز منتهی می‌شده است. می‌مانند کدام راه را درپیش گیرند. دال محمد به «لسان‌الغیب» متوسل می‌شود و به دیوان حافظ تفأل می‌زند. غزلی می‌آید که راه شیراز را به آنها نشان می‌دهد. اصل ابیات مذکور چنین است:

...دیدیلر بوندن نه سَمته گیده لُوم      فَنقی اولیڈر نه تدبیر ایدهلُوم  
 آصفی ده حافظک دیوانچه سی      واریدی هم معتقدایدی بسی  
 دیدیکم بن بر تفأل ایدهلُوم      هر نکیم بویرر او سَمته گیده یم  
 حافظک روحینه ایتدیلر دعا      دیدیلر حافظ بزه اوله رهنما  
 آصفی دیوانی آلدی آله      اوّل لسان غیب ایدی گلدی دیله  
 اوّلدی آنلاره بو بیتی رهنما      معنی اهلاً و سهلاً مرحبا  
 «یا بریدالحمما حماکالله      مرحبا مرحبا تعال تعال»  
 آصفی یه بر بشارت اوّلدی بو      یعنی شیرازه اشارت اوّلدی بو...

(ibid: 504)

آصفی و همراهانش بعد از ورود به شیراز، به دلیل بی‌پولی ناچار می‌شوند از راه گدایی شکم خود را سیر کنند، اما از بخت بد آنها، شیراز دچار قحطی بوده و لذا کسی در راه خدا نانی نمی‌داده است. از این رو، در اثر «آلام»، قدشان همچون «لام» خمیده می‌شود. می‌گوید:

شوبله قحط ایدی شهرده اوّل زمان      کمسه ویرمزدی گدایه آنده نان

دال محمد و سه یار همراهش برای نجات از گرسنگی از شیراز خارج شده برای رفتن به سوی سواحل خلیج فارس راهی کازرون می‌شوند. آنها یک روز در کازرون می‌مانند و بعد به راه خود ادامه می‌دهند. دال محمد در وصف کازرون، آن شهر را مرکز و مأوای «اولیاء» توصیف می‌کند و می‌گوید:

اوّلدی منزل چون که بر گون کازرون      اولیا کانی درر حدتن فُزون

۱. در یکی از مینیاتورهای زیبای کتاب که تصویری از قلعه اصفهان است، عبور آصفی و دوستانش از «تخت رستم» به زیبایی به تصویر کشیده شده است. ← Asafi 2007: 503

آنچه هم بر دم گدالقی آیتدیلر رای شهر آدلو دیاره گتدیلر

(ibid: 511)

آنها سرانجام خود را به «بحر هرمز» می‌رسانند و از آنجا به بصره می‌گریزند. از دیگر جنبه‌های حائز اهمیت این کتاب، نگاره‌های آن است. کتاب حاوی ۷۷ نگاره رنگی زیبا و متنوع است. هر نگاره حاوی آگاهی‌های بصری از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی است. نگاره‌های کتاب به واقع، خود تاریخ مصوری از دوره زمانی مذکور است. برخی از نگاره‌ها، به دلیل به تصویر کشیدن چهره دولتمردان و بزرگان صفوی، نظیر شاه محمدخدا بنده، حمزه میرزا، امام قلی خان و دیگران بی‌نظیر است، زیرا در هیچ‌یک از منابع دوره صفوی و غیره نمی‌توان به تصاویر این افراد برخورد. محمدعارف که برخی از نگاره‌های این اثر را در تاریخ عثمانی مجموعه‌سی به صورت عکسی منتشر کرده، بعد از بحث درباره هنر نگارگری سده دهم عثمانی، به این نکته اشاره می‌کند که یک هنرمند ایرانی حاضر در جنگ که بعداً به خدمت در دربار مشغول شده، در خلق این نگاره‌ها سهیم بوده است که برای اثبات این نظر می‌توان به تفاوت‌های موجود در نوع و رنگ نگاره‌های ابتدا و انتهای کتاب اشاره کرد (ERAVCI 2008). از دیباچه کتاب پیدا است که این اثر برای سلطان مراد سوم (حک: ۹۸۲-۱۰۰۳) سروده شده است. در برگ b9 کتاب، یک مینیاتور بزرگ درج شده که حاکی از تقدیم این اثر به سلطان مراد سوم است.

### ۳ نگاره‌های شجاعت‌نامه

متن اصلی شجاعت‌نامه با نگاره صحنه «محاربه چلدر» آغاز می‌شود (ص ۳۱). در یک سوی نبرد، سپاه عثمانی به فرماندهی درویش پاشا و عثمان پاشا و در سوی دیگر، سپاه قزلباش به فرماندهی قره‌خان و طوقماق خان قرار دارند. از آغاز کتاب، بنا به موضوعی که نویسنده به آن پرداخته، نگاره‌های متناسب با موضوع ترسیم شده است. نگاره‌های کتاب به ترتیب و فهرستوار از این قرار است:

صحنه‌ای از قلعه تفلیس و تصرف آن به دست سپاه عثمانی (ص ۳۵)؛ صحنه باریابی لوند

اوغلی به حضور لالامصطفی پاشا (ص ۳۸)؛ صحنه عبور سپاه عثمانی به سرداری لالا مصطفی پاشا از نهر قینق (ص ۴۴)؛ صحنه جانشینی عثمان پاشا به جای مصطفی پاشا و واگذاری فرماندهی نبردها در قفقاز به او و بریدن سر اسرای قزلباش در مقابل خیمه او (ص ۶۱)؛ صحنه زیارت عثمان پاشا کعبه معظمه را (ص ۷۱)؛ صحنه نبرد سپاه عثمانی و قزلباش به سرداری قیطاس پاشا و پرتال اوغلی (ص ۸۲)؛ صحنه نبرد دو سپاه در شروان (ص ۸۷)؛ حضور عثمان پاشا در دمورقپو (در بند) و بریده شدن سر بیگ در بند در مقابل خیمه او (ص ۹۰)؛ طوطی در قفس، نقل حکایت منسوی و تفسیر آن (ص ۹۸)؛ صحنه نبرد در شروان، به خاک افتادن قیطاس پاشا (ص ۱۰۶)؛ صحنه نبرد دو سپاه عثمانی و قزلباش به فرماندهی عثمان پاشا و آصفی پاشا و پره خان (ص ۱۱۳)؛ صحنه نبرد دو سپاه با حضور سپاه تاتار به فرماندهی غازی گرای و عادل گرای و عثمان پاشا و به خاک افتادن ارس خان (سهراب) سردار قزلباش (ص ۱۲۵)؛ بریدن سر اسرای قزلباش مقابل خیمه عثمان پاشا (ص ۱۲۷)؛ شکست سپاه قزلباش و غارت اموال و تصرف نوامیس آنها، دربرکشیدن دوشیزه‌های ماهرو توسط عادل گرای و دیگر فرماندهان سپاه تاتار و عثمانی (ص ۱۳۴)؛ صحنه نبرد دو سپاه در قلعه شماخی (ص ۱۴۲)؛ صحنه نبرد دو سپاه به فرماندهی عادل گرای و شاه اوغلی (شاهزاده حمزه میرزا) (ص ۱۵۱)؛ صف‌آرایی دو سپاه در دمورقپو (در بند) (ص ۱۶۰)؛ کشتار سپاه قزلباش و تصرف ولایت کوره و به آتش کشیدن قلعه قوراخ (ص ۱۷۰)؛ صحنه نبرد خونین دو سپاه و به آتش کشیدن «مملکت تبرصران» (ص ۱۷۶)؛ صحنه نبرد دو سپاه به فرماندهی برهان اوغلی (ابوبکر میرزا) و قجار محمدخان (ص ۱۸۵)؛ صحنه یورش سپاه عثمانی به فرماندهی عثمان پاشا و ابراهیم پاشا به مملکت قیطاق و تصرف باشلی قلعه (ص ۱۹۰)؛ صحنه استقبال عثمان پاشا از سوی سپاه ارضروم (ص ۲۱۳)؛ صحنه نبرد دو سپاه و فرار سپاه ارضرومی‌ها (ص ۲۱۷)؛ صحنه نبرد در شروان با حضور دال محمد و قیقی بیگ (ص ۲۳۸)؛ صحنه نبرد دو سپاه تاتار و قزلباش به فرماندهی غازی گرای و پره خان (ص ۲۵۷)؛ مزار بی‌بی هیبت در بادکوبه (ص ۲۶۲)؛ به آتش کشیدن «ملحدی شوم» در بادکوبه و ریختن خاکستر او به دریا (ص ۲۶۴)؛ صحنه نبرد دو سپاه در شروان و فرار برهان اوغلی (پسر ابوبکر میرزا) از مقابل سپاه قزلباش (ص ۲۷۱)؛

رویاری شاه اوغلی (حمزه میرزا) و غازی‌گرای (ص ۲۷۵)؛ صحنه نبرد دو سپاه در قلعه قباله به فرماندهی دال محمد و قیقی بک (ص ۲۸۵)؛ شکست سپاه قزلباش و توسل آنها به مصحف شریف (تصویر هشت بیگ قجار قزلباش قرآن به دست) دال محمد و اغوای قیقی بیگ (ص ۲۹۰)؛ تصویر قلعه قباله و دال محمد و یایاباشی (ص ۲۹۲)؛ صحنه نبرد دو سپاه و نبرد تن به تن دال محمد و یکی از قزلباشان (ص ۲۹۵)؛ دال محمد با غل و زنجیر در برابر شاه محمد خدابنده (ص ۳۰۳)؛ شکنجه و آزار دال محمد (ص ۳۰۷)؛ دال محمد در قعر سپاه چال (ص ۳۱۰)؛ نمایی از بیشه‌زارهای بین کفه و شروان (ص ۳۱۷)؛ نبرد تن به تن امام قلی‌خان و عثمان‌پاشا (ص ۳۲۱)؛ صحنه نبرد دو سپاه (ص ۳۲۹)؛ عثمان‌پاشا در حال وعظ در منبر (ص ۳۳۴)؛ صف‌آرایی دو سپاه عثمانی و قزلباش به فرماندهی عثمان‌پاشا و امام قلی‌خان (ص ۳۴۳)؛ صف‌آرایی دو سپاه عثمانی و قزلباش به فرماندهی عثمان‌پاشا و امام قلی‌خان (ص ۳۵۵)؛ بنا و احداث قلعه شماخی توسط عثمان‌پاشا (ص ۳۶۲)؛ تفویض حکومت دربند به جعفرپاشا از سوی عثمان‌پاشا و نمایی از قلعه دربند (دمورقپو) (ص ۳۶۵)؛ صحنه نبرد سپاه عثمانی و کفره روس (ص ۳۶۹)؛ صحنه نبرد سپاه روس و عثمانی (ص ۳۷۴)؛ عثمان‌پاشا و همراهان سوار بر قایق بر روی نهر (ص ۳۸۹)؛ تصویر پل بوزپاره (ص ۳۹۳)؛ حکایت شیر و روباه (ص ۴۰۰)؛ جنگ تاتارها (ص ۴۱۰)؛ مجلس ضیافت عثمان‌پاشا و حضور ایلچیان و خان‌زاده‌ها (ص ۴۱۶)؛ مجلس ضیافت عثمان‌پاشا و آلپ‌گرای خان تاتار (ص ۴۱۸)؛ صحنه نبرد چراکسه و تاتار در قلعه کفه و حضور عثمان‌پاشا (ص ۴۲۳)؛ صحنه نبرد چراکسه و تاتار در خشکی و دریا (ص ۴۲۶)؛ مجلس ضیافت اسلام‌گرای خان و حضور عثمان‌پاشا و قپودان‌پاشا (ص ۴۳۰)؛ اعزام ایلچی به دارالملک اسکندر (ص ۴۳۹)؛ به دارکشیدن وزرای دارا (ص ۴۴۲)؛ دیدار عثمان‌پاشا با صدراعظم عثمانی در اسلامبول (ص ۴۵۵)؛ دیدار غازی‌گرای شاه اوغلی (حمزه میرزا) و درخواست آزادی دال محمد (ص ۴۸۳)؛ بیگ‌الموت و آزادی دال محمد (ص ۴۸۶)؛ مجلس ضیافت شاه اوغلی (حمزه میرزا) و حضور غازی‌گرای، علی قلی‌خان و دال محمد (ص ۴۸۹)؛ صحنه‌ای دیگر از مجلس ضیافت شاه اوغلی (حمزه میرزا) و حضور غازی‌گرای، علی قلی‌خان و دال محمد (ص ۴۹۲)؛ خیمه علی قلی‌خان و حضور دال محمد (ص ۴۹۶)؛ فرار دال محمد و دو همراهش از اصفهان

به همراه نمایی از قلعه اصفهان و تخت رستم (ص ۵۰۳)؛ دستگیری دال محمد و همراهان در میانه راه (ص ۵۰۶)؛ ورود دال محمد و همراهان به شیراز با لباس‌های مبدل (ص ۵۱۰)؛ حرکت دال محمد و همراهان با کشتی در «بحر هرمز» (ص ۵۱۵)؛ ورود دال محمد به بصره و استقبال بیگ بصره، احمد پاشا (ص ۵۱۸)؛ محاربه سپاه عثمانی به فرماندهی سنان پاشا و سپاه قزلباش (ص ۵۳۶)؛ صحنه نبرد دو سپاه و قتل بیگلربیگی قرامان (ص ۵۵۰)؛ صحنه نبرد دو سپاه و قتل بیگلربیگی دیاربکر (ص ۵۵۲)؛ مجلس ضیافت عثمان پاشا و جعفر پاشا (ص ۵۵۵)؛ حمل جنازه عثمان پاشا و شیخون حمزه میرزا و قزلباش‌ها به سپاه عثمانی در تبریز (ص ۵۶۰).

تقریباً بیشتر نگاره‌های کتاب حول محور شخصیت و قهرمان اصلی کتاب یعنی عثمان پاشاست. بعد از وی، دال محمد به عنوان نویسنده کتاب و یار و یاور عثمان پاشا در بیشتر نگاره‌ها دیده می‌شود. نگاره‌های مربوط به دال محمد حاکی از سیر زندگی پرمخاطره او از حضور در جبهه‌های نبرد در قفقاز تا اسارتش به دست قزلباش‌ها و حبس او در الموت و اصفهان و بعد فرار او به سوی «بحر هرمز» و رسیدن به بصره و بازگشت دوباره به جبهه‌های نبرد ایران و عثمانی است. جدای از این دو شخصیت، چهره فرماندهان سپاه تاتار که در جنگ، هم‌پیمان عثمانیان بودند، نظیر عادل گرای، غازی گرای، اسلام گرای و آلپ گرای نیز به فراوانی دیده می‌شود. در کنار چهره‌های مزبور که متعلق به جبهه خودی بودند، بارها به چهره‌های جبهه دشمن یعنی قزلباشان نیز برمی‌خوریم. از شخصیت‌های مهم و معروف صفویان که تصویر آنها در نگاره‌ها آمده می‌توان به این افراد اشاره کرد: شاه محمد خدابنده، شاهزاده حمزه میرزا، امام قلی خان، علی قلی خان، پره اوغلی، بیگ الموت و شمار دیگری از سرداران، رجال و دولتمردان صفوی.

جدای از تصاویر شخصیت‌ها، که برای آگاهی نسبی از شکل و شمایل رجال تاریخی حائز اهمیت است، هر یک از نگاره‌های شجاعت‌نامه حاوی آگاهی‌های فراوانی از کم و کیف نبردهای دو سپاه عثمانی و صفوی است. بیشتر نگاره‌ها، صحنه صف‌آرایی و یا نبردهای خونین دو سپاه است؛ از این رو می‌توان به ساز و برگ، سلاح‌ها، نحوه پوشش و چگونگی نبرد سپاهیان دو طرف و همچنین به موقعیت مکانی نبردها و ویژگی‌های آنها

پی برد. در بعضی از نگاره‌ها، تصویر قلعه‌های تصرف‌شده یا به‌آتش‌کشیده شده به خوبی نمایش داده شده است. با توجه به اینکه منابع تاریخی بازمانده از دوره صفویه فاقد هرگونه نگاره یا تصویر است، ارزش و اهمیت شجاعت‌نامه در به تصویر کشیدن بخشی از تاریخ صفویه دارای اهمیت زیادی است. برای مثال، در هیچ‌یک از منابع صفویه نمی‌توان به تصویری از شاه محمد خدابنده برخورد، در حالی که در یکی از نگاره‌های این اثر، چهره او چنان با دقت و به زیبایی به تصویر کشیده شده که قابل وصف نیست. حتی نگارگر با استادی تمام، نابینایی وی را در معرض دید بیننده قرار داده است.

همچنین، چندین مجلس ضیافت حمزه میرزا، و نیز حضور او در رأس سپاه قزلباش در نبرد با عثمانیان، واجد آگاهی‌های بصری مفیدی از این شاهزاده شجاع صفوی است که در هیچ‌یک از منابع تاریخی صفوی نمی‌توان به تصویری از او برخورد، مگر در شجاعت‌نامه دال محمد چلبی.

نگاره‌های شجاعت‌نامه از حیث نشان دادن انواع مجازات‌ها، اعم از سر بریدن، به دار کشیدن، به آتش زدن، شلاق زدن، دو نیمه کردن و نیز برخی شکنجه‌های وحشیانه متداول در دوره صفوی - عثمانی نیز شایان توجه است. شماری از نگاره‌های این اثر، در واقع تاریخ مصوری است از انواع مجازات‌ها و شکنجه‌های دوره مذکور. تعداد زیادی از نگاره‌ها، نمایشی از صف‌آرایی دو سپاه است. از رویارویی دو سپاه می‌توان به نحوه آرایش آنها و نیز سلاح‌ها و ساز و برگ مورد استفاده طرفین پی برد. در مجموع هر یک از نگاره‌های شجاعت‌نامه به نوعی تاریخ مصور عصر صفوی - عثمانی در فاصله سال‌های ۹۸۶-۹۹۳/۱۵۷۸-۱۵۸۵ است.

#### ۴ تصحیح و انتشار شجاعت‌نامه

از شجاعت‌نامه، تاکنون دو چاپ مختلف صورت گرفته است. یکی از سوی عبدالقادر اوزجان و دیگری از سوی مصطفی ارأوجی. چاپ اوزجان به صورت فاکسیمیل، نفیس و گران‌قیمت است، و چاپ ارأوجی به صورت آوانگاری لاتین همراه با متن نسخه خطی در لوح فشرده. بیشترین

ارزش کتاب، به جز آگاهی‌های تاریخی، از جنبه هنری است. این اثر دارای ۷۷ مینیاتور رنگی است. کتاب به لحاظ هنر نگارگری دوره عثمانی شایسته مطالعه و پژوهش است.

## ۵ نتیجه

شجاعت‌نامه، اثر آصفی دال محمد چلبی، به عنوان اثری منظوم، به زبان ترکی عثمانی سروده شده است. نویسندگان در این اثر، لشکرکشی‌های عثمان پاشا به چلدر، تغلیس و تبریز در سال‌های ۹۸۶ تا ۹۹۳ را روایت کرده است. کتاب به سبک مناقب‌نامه‌ها از قهرمانی‌های فرمانده عثمانی، عثمان پاشا، تمجید و ستایش زیادی کرده است. یکی از پربرخوردترین دوره‌های تاریخ صفویان و عثمانیان، دوره شاه صفی (حک: ۱۰۵۲-۱۰۳۸) است. از دوره مزبور، به زبان فارسی تنها منابع مکتوب موجود است، در حالی که در عثمانی به جز منابع مکتوب، منابع مکتوب - مصور نیز باقی مانده است. شجاعت‌نامه دال محمد چلبی، یکی از منابع ارزشمند مکتوب - مصوری است که حاوی آگاهی‌های بسیار درباره کم و کیف برخورد صفویان و عثمانیان در قفقاز و آذربایجان است. در این اثر، ۷۷ نگاره رنگی بسیار زیبا به چاپ رسیده که به‌واقع تاریخ مصور جنگ‌های ایران و عثمانی در دوره شاه صفی است. نگاره‌های کتاب، به جز نمایش صحنه‌های نبرد، هر یک حاوی آگاهی‌های بصری از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی دوره صفوی است. در این کتاب، برای اولین بار به تصاویر دولتمردان و شخصیت‌های بزرگ ایران و عثمانی، از جمله، شاه محمدخدا بنده، حمزه میرزا، امام قلی خان، عثمان پاشا و ده‌ها شخصیت دیگر که به زیبایی به تصویر کشیده شده‌اند، برمی‌خوریم. بنابراین، در شجاعت‌نامه، به عنوان تاریخ مصور دوره شاه صفی، در قاب هر نگاره، با روایتی بصری مواجهیم که حاوی داده‌های دست اول تاریخی از جنبه‌های مختلف جامعه ایران روزگار صفوی است. در مقاله حاضر نمونه‌هایی از نگاره‌های شجاعت‌نامه آورده شد که از خلال آنها صحنه‌هایی از نبردهای فردی و جمعی، انواع سلاح‌ها و ساز و برگ‌های جنگی، انواع شکنجه‌ها، نمونه‌هایی از بناها، قلعه‌ها، برج و باروها، لباس‌های شاهان، نظامیان و گدایان، حال و هوای مجالس ضیافت بزرگان و نمایی از خلیج فارس و بحر هرمز، باورها و اعتقادات و... به تصویر کشیده شده است.

## منابع

ابوبکر بن عبدالله (۱۳۸۷)، *تاریخ عثمان پاشا* (شرح یورش عثمانی به قفقاز و آذربایجان و تصرف تبریز)، به کوشش یونس زیرک، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه و توضیحات، نصرالله صالحی، تهران: طهوری.

بروسه‌لی محمد طاهر (۱۳۴۲)، *عثمانلی مؤلفلری*، استانبول.

پورگشتال، هامر، (۱۳۶۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: زرین.

سلانیکلی مصطفی‌افندی (۱۳۸۹)، *تاریخ سلانیکلی (۹۷۱ - ۱۰۰۸)*، ترجمه از ترکی عثمانی: حسن بن علی، تصحیح، ترجمه، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها، نصرالله صالحی، تهران: طهوری.

صالحی، نصرالله (۱۳۹۰)، «ایران در متون و منابع عثمانی (شجاعت‌نامه)»، گزارش میراث، دوره دوم، سال پنجم، مهر - دی، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۶۱ - ۶۹.

محمد ثریا، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانیه*، استانبول، ۱۳۰۸ - ۱۳۱۵.

Asafi Dal Mehmed Çelebi (2007), *Şeca'atname: Özdemiroğlu Osman Paşa'nın Şark Seferleri (1578 - 1585)* [Tıpkıbasım] Haz. Abdülkadir Özcan, Çamlıca Basım, Yayın, İstanbul, 2. baskı, 20.5 x 28 cm, LXXVII + 579 Tıpkıbasım sayfa.

\_\_\_\_\_ (2009), *Şeca'atname*, Haz. H. Mustafa Eravci, İstanbul: mvt Yayıncılık.

BABINÇER, FRANZ (1992), *Osmanlı Tarih Yazarları ve Eserleri*, Çeviren: Coşkun Üçok, Ankara.

DANIŞMEND, İsmail Hami (1972), *İzahlı Osmanlı Tarihi*, Vol, 3, İstanbul: Türkiye Yayınevi.

ERAVCI, H. Mustafa (2008), "Dal Mehmed Çelebi Asafi", s.v. www.ottomanhistorians.com.

\_\_\_\_\_ (2009), "Dal Mehmed Çelebi Asafi", s.v. www.ottomanhistorians.com.

FLEISCHER, CORNELL H. (1996), *Tarihçi Mustafa Ali, Bir Osmanlı Aydın ve Bürokrati*, Çeviren: Ayla Ortaç, İstanbul: Türkiye Vakfı.

KÜTÜKOĞLU, Bekir (1993), *Osmanlı-İran Siyası Münasebetleri (1578-1612)*, İstanbul.

Selaniki Mustafa Efendi (1999), *Tarih-i Selaniki (971-1008 / 1563- 1600)*, Haz. Mehmet İpşirli. Ankara: Türk Tarih Kurumu.



### نمونه‌هایی از نگاره‌های شجاعت‌نامه



صحنه نبرد دو سپاه عثمانی و صفوی در چلدر



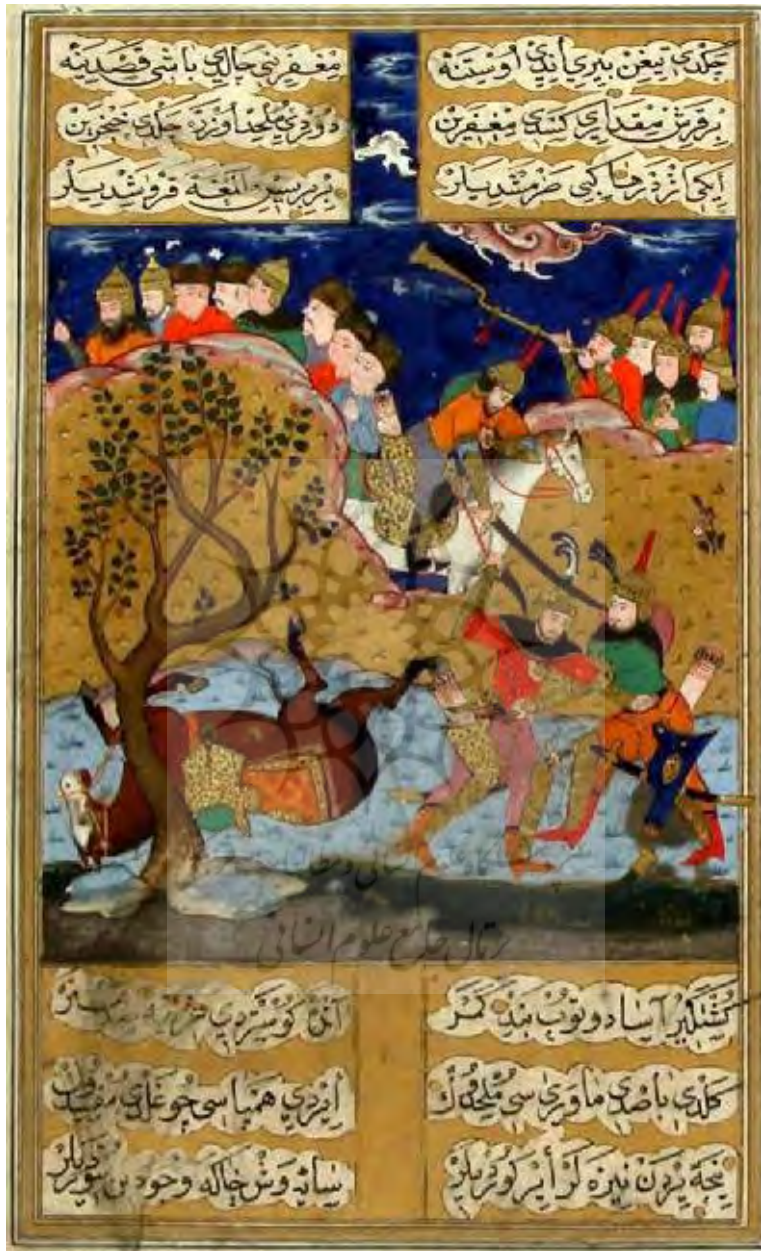
بریدن سر اسرای قزلباش مقابل خیمه عثمان پاشا



صحنه نبرد دو سپاه در قلعه شماخی



صحنه نبرد دو سپاه به فرماندهی عادل گرای و شاه اوغلی (حمزه میرزا)



صحنه نبرد دو سپاه در شروان و فرار برهان اوغلی (پسر ابوبکر میرزا) از مقابل سپاه قزلباش



روبارویی حمزه میرزا و غازی گرای

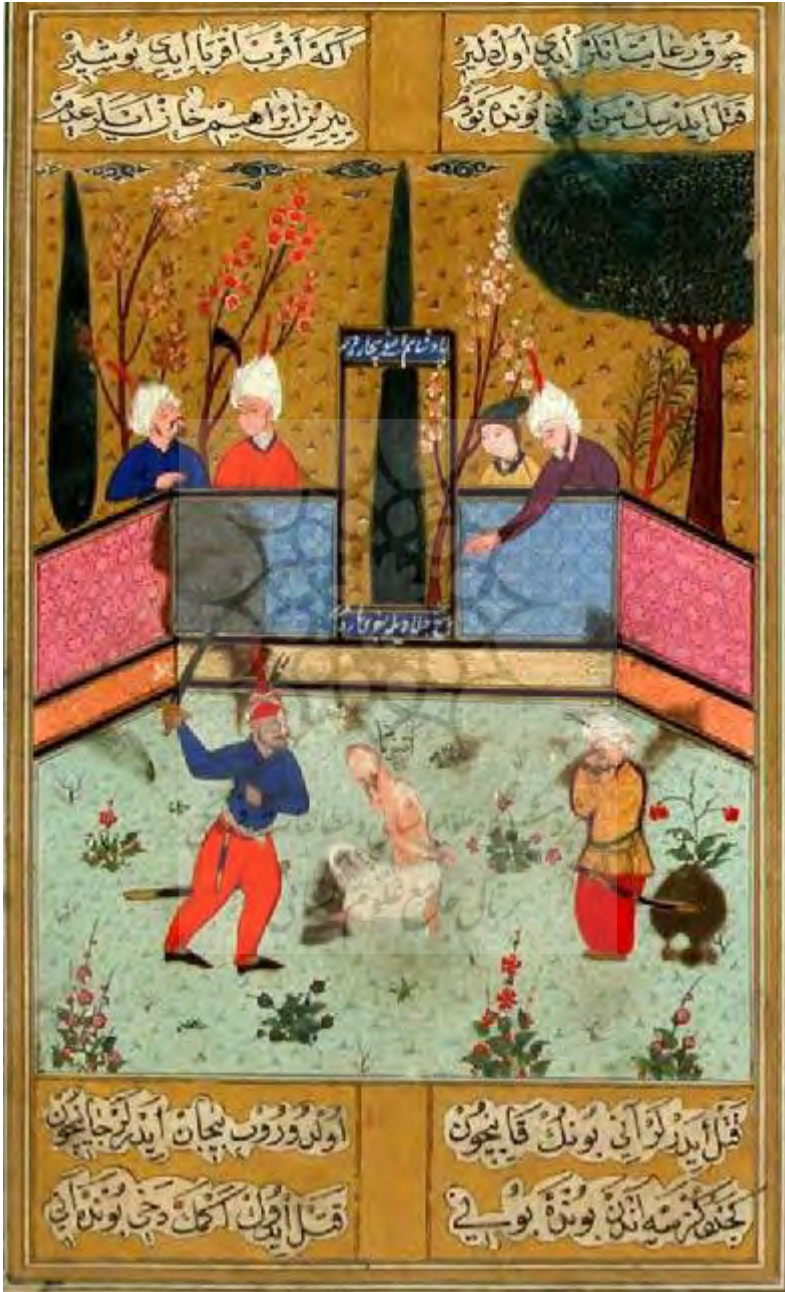


شکست سپاه قزلباش و توسل آنها به مصحف شریف (تصویر هشت قزلباش قرآن به دست)

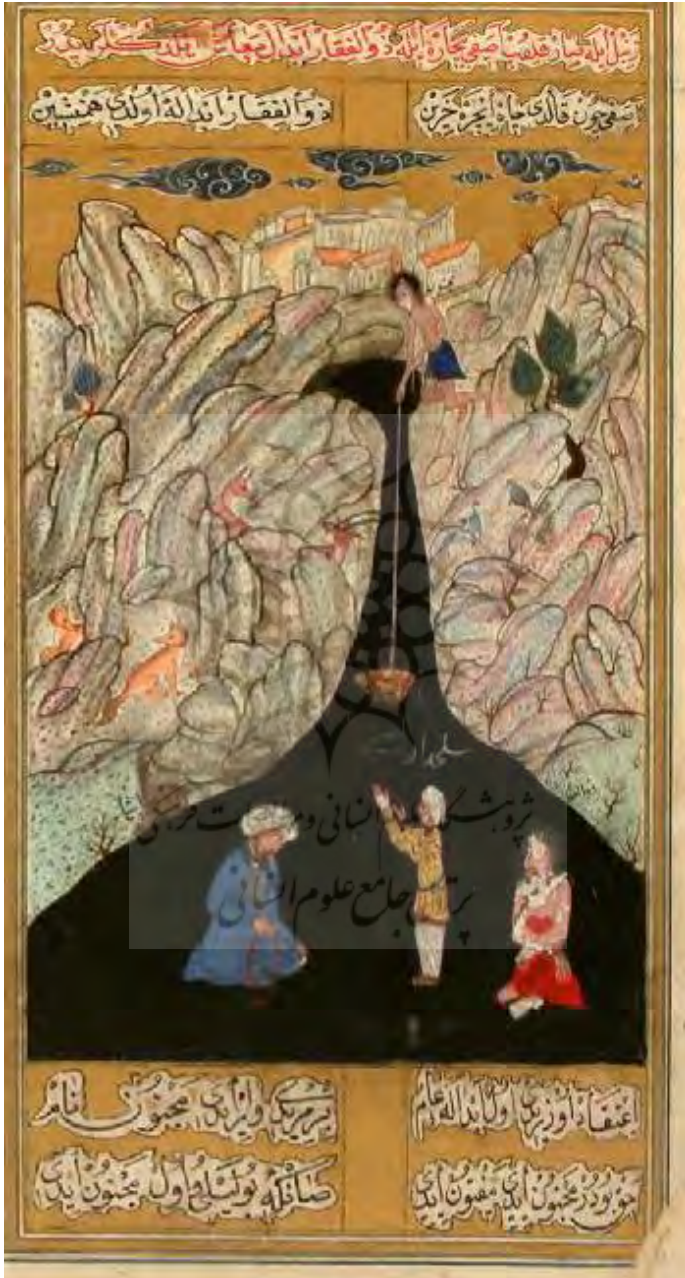


دال محمد چلبی با غل و زنجیر در برابر شاه محمد خداپنده





شکنجه دال محمد چلبی



دال محمد چلبی در قعر سیاه چال



نبرد تن به تن امام قلی خان و عثمان پاشا



صف آرای دو سپاه عثمانی و قزلباش به فرماندهی عثمان پاشا و امام قلی خان



بنا و احداث قلعه شماخی توسط عثمان پاشا



دیدار غازی‌گرای با حمزه میرزا و درخواست آزادی دال محمد چلبی



بیگ الموت و آزادی دال محمد چلبی



مجلس ضیافت حمزه میرزا و حضور غازی گرای، علی قلی خان و دال محمد چلبی

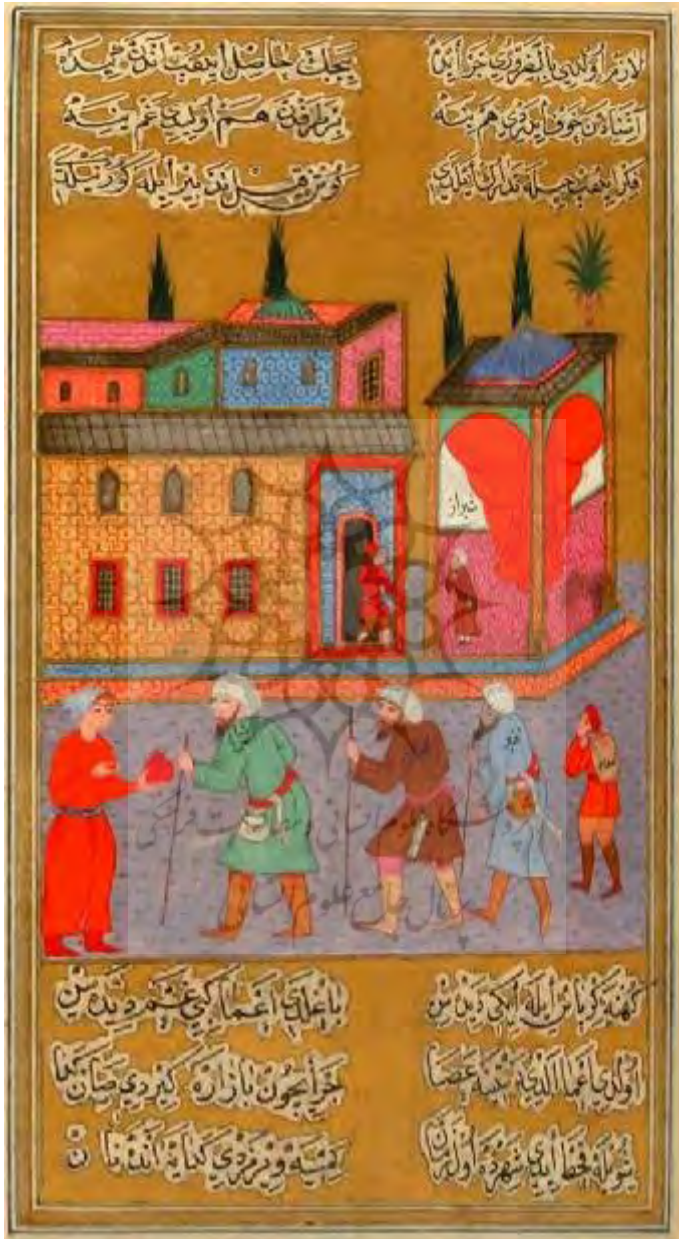




صحنه دیگری از مجلس ضیافت حمزه میرزا



فرار دال محمد چلبی و دو همراهش از اصفهان به همراه نمایی از قلعه اصفهان و تخت رستم



ورود دال محمد چلبی و همراهان به شیراز با لباس‌های مبدل



حرکت دال محمد چلبی و همراهانش با کشتی در «بحر هرمز»



محرابه سپاه عثمانی به فرماندهی سنن‌باشا و سپاه قزلباش



حمل جنازه عثمان پاشا و شبیخون حمزه میرزا و قزلباش‌ها به سپاه عثمانی در تبریز